



بندگی

پرسش: **بنده واقعی** کیست؟

فهرست مندرجات

- ۱- [معرفت واقعی](#)
- ۲- [یاد خدا](#)
- ۳- [انجام واجبات و ترک مجرمات](#)
- ۴- [زهد و بی رغبتی به دنیا](#)
- ۵- [پانویس](#)
- ۶- [منبع](#)

معرفت واقعی

بندگی خدا در قدم اول متوقف بر **معرفت** و **شناخت حقیقی پروردگار** است. از این رو در **روایت** آمده است: "کسی که **گناه** می کند، **خدا** را به مفهوم واقعی نمی شناسد".
^[۱] بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۷۴.

البته **معرفت عقلانی** کافی نیست. باید امدادها و **الطاف** و **صفات جمال** را بشناسد تا **عواطف** بر انگیزته شود. آن کس که تو را شناخت جان را چه کند فرزند و **عیال** و خانمان را چه کند دیوانه کنی، هر دو جهانیش بخشی دیوانه تو هر دو **جهان** را چه کند

یاد خدا

یاد خدا به صورت **ذکر جلی** و خفی. همواره خدا را حاضر و ناظر و حامی و پشتیبان دانستن. **رسول خدا** (صلی الله و علیه و آله) می فرماید: "خدای عزوجل فرموده است: هنگامی که بنده سرگرم و متوجه به من باشد **حاجت** و لذتش را به یاد خود قرار می دهم و چون با او این **سلوک** و **رفتار** را داشته باشم او به من **عشق** می ورزد و من به او عشق می ورزم. در این صورت **حجاب** میان خود و او را بر می دارم و او جز مرا نمی بیند".
^[۲] کنز العمال، ج ۱، ص ۴۳۳.

انجام واجبات و ترک مجرمات

قرآن مجید می فرماید: "قل إن کنتم تحبون الله فاتبعونی یحبکم الله؛ بگو اگر خدا را دوست می دارید، از من که **پیامبر** اویم **پیروی** کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد".
^[۳] [العمران/سوره ۲، آیه ۳۱](#).

امام باقر (علیه السلام) به شخصی می فرماید: "**معصیت** پروردگار می کنی، با این حال اظهار **محبت** او می نمایی؟! به جانم **سوگند!** این کار عجیبی است. اگر محبت تو صادقانه بود **اطاعت** فرمان او می کردی زیرا کسی که دیگری را دوست دارد از فرمانش پیروی می کند".
^[۴] تحف العقول، ص ۲۱۴.

عنوان بصری از **امام صادق** (علیه السلام) در مورد **حقیقت عبودیت** سؤال کرد ایشان فرمود: حقیقت بندگی درسه چیز است: اول این که بنده، خودش را **مالک** چیزهایی که خدا به وی **عطا** کرده نداند، زیرا **بندگان** مالک چیزی نمی شوند، بلکه **مال** را مال خدا می دانند و در همان طریق که فرموده به مصرف می رسانند.
دوم این که بنده خودش را در **تدبیر امور ناتوان** بدانند. سوم این که خودش را در **انجام اوامر** و **ترک نواهی** خدا مشغول بدارد.
^[۵] [بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۴](#).

محبت به خدا با **محبت** به **دنیا** نمی سازد چنان که **امام علی** (علیه السلام) فرمود: "اگر خدا را دوست دارید از دلتان م **حیت دنیا** را خارج کنید".

[۶] غررالحکم، ج ۳، ص ۲۲.

حب دنیا انسان را به سوی **مادیات** و **جاه** و **مقام** و مال و **منال** می کشاند. **حب الهی** به سوی خدا جذب می کند، هر کدام غالب شود، انسان آن خواهد شد.

مولوی ضمن داستانی به این مسئله اشاره کرده است: **شتر** مجنون تازه زاییده بود و به بیچه اش خیلی **علاقه** داشت. شتر شد تا به خانه معشوق اش رود. **مجنون** غرق در عشق لیلی بود. شتر نیز علاقه به نوزادش داشت. تا مجنون **غافل** می شد می دید که شتر به سوی نوزادش روان است. مجدداً شتر را به سوی خانه لیلی **هدایت** می کرد. همین که **غفلت** می کرد باز می دید شتر به سوی نوزاد روان است. این کشمکش بود لیکن یکدفعه مجنون چشم باز کرد و دید به جای این که به خانه **معشوق** برسد، به خانه خود رسیده است. برای سومین مرتبه **حیوان** را به آن طرف برگردانید، باز به مجرد این که مجنون فکریش به سوی معشوقش **منحرف** شد و از حیوان غافل گشت حیوان به فکر بیچه اش افتاد و به سوی خانه رفت.

همچون مجنون در تنازع با شتر گه شتر چربید و گه مجنون حر

یک دم از مجنون ز خود غافل شدی ناچه گردید و واپس آمدی

سرانجام مجنون خودش را از روی شتر به پایین پرتاب کرد و گفت:

گفت ای نا چو هر دو عاشقیم ما دو ضد بس همره نالایقیم

من عاشقم تو هم عاشق. من عاشق لایلا هستم و تو عاشق بیچه ات هستی. ما دو با یکدیگر **همسفر** نمی توانیم بشویم. آن گاه نتیجه می گیرد:

عشق **مولا** کی کم از لیلستی بنده بودن بهر او اولاستی

[۷] مثنوی، دفتر چهارم، ص ۶۲۸.

پانویس

۱. [بخارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۷۴.](#)

۲. [کنز العمال، ج ۱، ص ۴۳۳.](#)

۳. [الاعمران/سوره ۲، آیه ۲۱.](#)

۴. [تحف العقول، ص ۲۱۴.](#)

۵. [بخارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۴.](#)

۶. [غررالحکم، ج ۳، ص ۲۲.](#)

۷. [مثنوی، دفتر چهارم، ص ۶۲۸.](#)

منبع

[شهر سؤال.](#)

رده‌های این صفحه : [عبودیت](#) | [فضائل اخلاقی](#)